

تاریخ وصول: ۱۳۹۴/۰۷/۱۶

تاریخ پذیرش: ۱۳۹۴/۰۹/۰۵

واکاوی جنبش نرم افزاری روحانیون شیعه در دوره‌ی اول جنگ‌های ایران و روسیه (۱۲۱۸-۱۲۲۸ق)

جعفر آقازاده^{*۱}

۱. استادیار تاریخ دانشکده ادبیات و علوم انسانی، دانشگاه محقق اردبیلی، ایران.

چکیده

تجاوز و توسعه طلبی روسها در منطقه قفقاز به ویژه بخش مسلمان نشین آن در دوره اول جنگ‌های ایران و روسیه، علاوه بر آنکه تعرض به قلمرو سرزمینی ایران بود، تجاوز به ساحت دین اسلام، مسلمانان و دارالاسلام نیز بود. تسلط روس‌ها بر آن منطقه این خطر را در پی داشت که آیین و شعائر اسلامی در آنجا تضعیف شده و آیین مسیحیت به ضرر اسلام گسترش یابد. پس روحانیون شیعه با صدور فتاوی جهادی در کنار حکومت قاجار قرار گرفتند تا بتوانند جلوی تجاوزات روسها را گرفته و از آیین اسلام دفاع نمایند. اگر هدف اصلی قاجارها حفظ قلمرو سرزمینی ایران زمین تحت نظر خود بود، هدف روحانیون جلوگیری از تسلط غیرمسلمانان بر بلاد اسلامی بود. این مقاله با بهره‌گیری از روش تحلیلی-تاریخی در پی تحلیل جنبش نرم افزاری روحانیت شیعه برای حفاظت از سرزمین‌های اسلامی و دین اسلام در دوره اول جنگ‌های ایران و روسیه است. یافته‌ها نشان می‌دهد روحانیون شیعه با واقع بینی و تفکیک میان مسئله مشروعیت سلطنت قاجار با موضوع دفاع از مسلمانان و سرزمین اسلامی، بر اساس مبانی فقه سیاسی خویش برای تشویق و تهییج مسلمانان به دفاع از سرزمین‌های اسلامی و مبارزه نرم با دشمنان اسلام، فتاوی جهادی صادر کردند.

واژگان کلیدی: روحانیون شیعه، فتاوی جهادی، قفقاز، جنگ‌های ایران و روس.

۹
دانشنامه مطالعات
قدرت نرم

جعفر آقازاده
واکاوی جنبش نرم افزاری روحانیون شیعه در دوره‌ی اول جنگ‌های ایران و روسیه

مقدمه

همزمان با تکاپوی قاجارها برای تشکیل حکومت در ایران، روحانیون اصولی به رهبری آقا محمدباقر بهبهانی (۱۱۱۸-۱۲۰۵ق) مبارزه گسترده‌ای توأم با موفقیت علیه جریان اخباری که موضعی انفعالی در قبال تحولات جامعه شیعه داشتند، آغاز نمودند. شاگردان بهبهانی که در ایران دارای جایگاه دینی برجسته‌ای بودند، ولایت روحانیون را به حوزه‌های سیاسی نیز بسط دادند و نظرات خود را در باب ولایت سیاسی روحانیون شیعه منسجم تر از گذشته بیان نمودند. پیروزی جریان اصولی بر اخباری در فقه شیعه منجر به تثبیت جایگاه نهاد اجتهاد در اداره امور شیعیان گردید. روحانیون شیعه به عنوان مدافع سنت و شریعت از قدرت نرم بسیاری که برخاسته از ارزشها و فرهنگ اسلامی ایران بود، برخوردار بودند و به پشتوانه آن در ایجاد مشروعیت برای اهداف دینی و اسلامی نقش فعالی داشتند.

آغاز جنگ‌های ایران و روسیه و عدم همراهی مردم و نخبگان جامعه ایران با قاجارها در آن، بحران مشروعیت حکومت قاجار را هر چه بیشتر آشکار نمود، لذا آن حکومت برای اداره و ادامه بهتر جنگ در فکر گرفتن فتاوی جهادی از روحانیون شیعه برآمد. نهاد مرجعیت شیعه نیز علی‌رغم عدم اعتقاد به مشروعیت کامل حکومت قاجار، برای مقابله با روسها و جلوگیری از تسلط آنها بر بخشهایی از جهان اسلام، با صدور فتاوی جهادی به نبرد حکومت قاجار با روسها مشروعیت بخشید. در این فتاوی روحانیون شیعه به واکاوی ابعاد و نتایج تسلط روسها بر بلاد اسلامی پرداخته و از مسلمانان خواستند با تمام توان از حکومت قاجار در جهت مقابله با روسها حمایت نمایند.

اگرچه تاکنون پژوهش‌های متعددی درباره دوره اول جنگ‌های ایران و روس انجام گرفته است، اما به این موضوع از منظر ریشه قدرت روحانیون در این دوره و جنبش نرم افزاری آنها در دفاع از سرزمینهای اسلامی پرداخته نشده است، لذا این قلم در صدد است با استفاده از منابع کتابخانه‌ای و بهره‌گیری از دستاوردهای پژوهشهای پیشین، رویکردی نوین به موضوع مورد نظر داشته باشد. در این پژوهش در صدد پاسخ‌گویی به این سؤال هستیم: روحانیت شیعه چه اقداماتی در حوزه نرم افزاری برای دفاع از سرزمینهای اسلامی در دوره اول جنگ‌های ایران و روسیه انجام دادند؟

۱. بسط نظریه ولایت سیاسی روحانیون

فقه شیعه به واسطه تلقی خاصی که از مسئله امامت و غیبت امام زمان (ع) و ارتباط آن با موضوع دولت پیدا کرده بود، هرگز نیازی به پرداختن به مسئله حکومت احساس نمی کرد (طباطبایی فر، ۱۳۸۴: ۶۴؛ عنایت، ۱۳۶۵: ۵۴-۵۵). در راستای این عقیده هر حکومتی در دوره غیبت غاصب حق امام محسوب گشته و مصداق حکومت جور بود، بنابراین همکاری با هر حکومتی در دوره غیبت از لحاظ نظری برای شیعیان مجاز نبود، اما بزرگان شیعه از روی تقیه یا برای تأمین نیازهای جامعه شیعه، به تعامل با ساختار سیاسی توصیه می کردند (طوسی، ۱۴۱۱: ۳۵۶-۳۵۷).

با حکومت صفویان و رسمیت یافتن مذهب تشیع در ایران (۹۰۷ق)، روحانیون شیعه از این فرصت پیش آمده در جهت گسترش فعالیت‌های خود در ایران بهره برده و به همکاری با شاهان صفوی پرداختند (خواند میر، بی تا، ج ۴: ۶۰۹-۶۱۴؛ غفاری قزوینی، ۱۳۴۳: ۲۸۵). علی‌رغم فراز و فرودهای روابط ساختار سیاسی با دینی در دوره صفویه، این روابط هرچه بیشتر به آخر حکومت صفویه نزدیک می شد، گسترده تر و در جهت استقلال روحانیت از ساختار سیاسی پیش می رفت که حاصل آن نیز افزایش قدرت و نفوذ روحانیون در جامعه و دخالت آنها در بسیاری از امور کشور بود (صفت گل، ۱۳۸۹: ۲۲۲). به دنبال سقوط اصفهان (۱۱۳۵ق) و کشتار گروهی از علمای دینی به دست افغانه، روحانیون شیعه تجربیات تلخی کسب نمودند که برای حرکت آتی آنها تأثیرگذار بود. اگر در دوره صفوی اغلب استیلا با گروه اخباریان بود، اما همزمان با تکاپوهای قاجارها برای تشکیل حکومت در ایران، روحانیون اصولی هم در عتبات مبارزه‌ی گسترده‌ای علیه اخباری‌گری به راه انداختند. نماینده برجسته اصولیان ملا محمد باقر بهبهانی بود که با جنگ قلمی و قهری، اخباری‌گری را به حاشیه راند (تنکابنی، ۱۳۸۹: ۲۵۴-۲۵۶). روحانیون اصولی بر خلاف اخباریان معتقدند مجتهدین جایگاه و امتیاز خاصی به واسطه علم خود بر «عوام» دارند و مرجع و رهبر شیعیان در دوره غیبت هستند و تمام یا حداقل بخشی از اختیارات امام معصوم (ع) را بر عهده دارند و در دوره غیبت مجتهدین در زندگی سیاسی - اجتماعی شیعیان همان جایگاه امام (ع) را در دوران حضور دارند (فیرحی، ۱۳۸۳: ۲۷۸-۲۷۷-). گام‌های اساسی برای تثبیت جایگاه روحانیون و نهاد اجتهاد در ایران توسط شاگردان بهبهانی برداشته شد. از برجسته ترین نمایندگان آنها می توان به ملا احمد نراقی (۱۱۸۵-۱۲۴۵ق) اشاره نمود. نراقی در کتاب «عوائدالایام» حکومت و ولایت را از آن فقها می‌داند. از نظر نراقی ولایت از آن خداست و از سوی حضرت

باری تعالی به پیامبر (ص) و امامان (ع) تفویض گردیده و غیر از آنها کسی حق ولایت بر بندگان خدا را ندارد، مگر اینکه این ولایت از سوی خدا، پیامبر (ص) یا ائمه (ع) به فردی تفویض گردد (نراقی، ۱۳۶۷: ۳).

در نگاه اول، اندیشه ملا احمد نراقی و دیگر روحانیون همسو با او در ولایت سیاسی، می بایست به اقدام عملی برای تشکیل حکومت منجر می گردید، اما با توجه به فراهم نبودن شرایط برای تشکیل حکومت و انجام کارهای سپاهی‌گری، روحانیون این دوره برای گذران امور عرفی شیعیان، اندیشه آرمانی ولایت سیاسی فقیه را اگرچه به صورت جدی در حوزه اندیشه‌ای و نظری مطرح می شد، در دنیای واقعی آن را رها ساختند و مسئله اذن و اجازه را به عنوان راه حل نهایی بین آرمان و واقعیت مطرح نمودند. منظور از اذن این است که مجتهد هر عصر که نایب امام غائب (عج) تلقی می گردد و ولایت عامه دارد، با اعطای اجازه به سلطان، وی را نایب خود در امور ملک و سپاه می کند تا تصرف او در ملک و حکومتش بر خلق به نیابت از امام بوده و صورت شرعی داشته باشد. مجتهد جامع الشرایط عادل هر که باشد نایب آن حضرت است و چون خود مجتهد به کار ملک و سپاه نمی رسد، شاه را نایب خود می کرد، تا تصرف او در ملک و حکومتش بر خلق به نیابت امام بوده و صورت شرعی داشته باشد. اذن مجتهد، حاکمیت سلطان را از مصادیق حکومت جور خارج نموده و حضور استیلائی او را مشروعیت می بخشید (شیخ جعفر نجفی، ۱۳۹۰، ج ۱: ۵۰).

۲. روابط روحانیون شیعه با فتحعلی شاه قاجار

با پیروزی جریان اصولی بر اخباری که معتقد به دخالت فعال در امور جامعه بودند، روحانیون اصولی در دوره قاجار به قدرتی فراتر از قبل دست یافتند و زمینه دخالت آنها در امور سیاسی بیش از پیش فراهم گردید. عامل قدرت آنها در این دوره متکی بر چند عامل بود؛ نخست این که آنها به مانند گذشته ایفا گر نقش واسطه بین مردم و حکومت بودند و از مردم حمایت کرده و برای آنها وساطت می کردند. قدرت فتوا و بسیج نیروهای مردمی از طرف روحانیون بسیار فراتر از قدرت های مادی ساختار سیاسی بود و آن نفوذ روحانیون را در بین مردم بیشتر می کرد. همچنین مردم ایران نیز که دعوی افضلیت و تقدم روحانیون را بر حکام به حق می شمردند، علمای دین را به عنوان پیشوایان خود پذیرفتند (فلور، ۱۳۶۵، ج ۲: ۲۳). ادعای ولایت سیاسی آنها مشروعیت حکومت قاجار را زیر سؤال می برد، در نتیجه ساختار سیاسی برای کسب مشروعیت به روحانیون اصولی

روی آورد. فتحعلی شاه قاجار (۱۲۱۲-۱۲۵۰ق) با رسیدن به قدرت سعی کرد تکیه گاه حکومت خود را از شمشیر و زورمداری به سمت پذیرش همگانی مردم و رضایت نخبگان تغییر دهد. او برای تبدیل خود به شاهی مشروع و برخوردار از قدرت نرم دین، ناچار خود با ارزشها و منافع مشترک جامعه که دین اهمیت ویژه‌ای در آن داشت، هماهنگ نشان می‌داد. او نه تنها خود را فردی دیندار نشان می‌داد، بلکه برای بهره‌مندی از قدرت نرم دین و کسب مشروعیت به روحانیون که متولیان دین در جامعه بودند، روی آورد (مروزی، ۱۳۸۶، ج ۱: ۱۰۶). او برای جلب حمایت روحانیون، رابطه‌ی دوستانه و نزدیکی با برخی از روحانیون طراز اول این دوره نظیر ملا احمدنراقی و میرزای قمی برقرار کرد. این روابط از حالت رسمی به سمت غیر رسمی و نگارش نامه‌های دوستانه هم کشید. شاه به درخواست روحانیون از گناه مجرمین می‌گذشت و شفاعت آنها را برای صلح با همسایگان می‌پذیرفت. او مساجد و مدارس دینی ساخت و اهتمام زیادی به حمایت از اماکن دینی و زیارتی کرد (مدرس تبریزی، ۱۳۷۴، ج ۶: ۶۸-۷۱؛ حبیب آبادی، ۱۳۵۱، ج ۳: ۹۱۹-۹۱۱؛ مدرسی طباطبائی، ۱۳۵۴: ۲۴۵-۲۷۵؛ حائری، ۱۳۸۷: ۳۴۲-۳۴۱؛ جهانگیر میرزا، ۱۳۸۴: ۲۱۸).

فتحعلی شاه با همکاری با روحانیون اصولی، دست آنها را در امور مربوط به دین و مذهب باز گذاشت. روحانیون هم از این فرصت برای بسط فعالیت‌های خود و سرکوب صوفیان و مقابله با اخباریان و شیخیه استفاده کردند (استادی، ۱۳۸۳: ۸۱؛ تنکابنی، ۱۳۸۹: ۲۴۹-۲۵۰ و ۵۱-۵۶). اما روابط طرفین به خاطر تعدی و ظلم و ستم مأموران دولتی به مردم و همچنین اقدامات برخی از علما در جهت تقابل با اقتدار سیاسی فتحعلی شاه گاهی به وخامت می‌گرائید (تنکابنی، ۱۳۸۹: ۱۲۱-۱۲۲).

۳. زمینه‌های شکل‌گیری ادبیات جهادی

روسها با الحاق گرجستان به قلمرو خود و حمله به گنجه در سال ۱۲۱۸ق زمینه شروع مرحله اول جنگهای ایران و روسیه را فراهم کردند. فتحعلی شاه نیز عباس میرزا نایب السلطنه حاکم آذربایجان را مأمور مقابله با روسها کرد و بدین ترتیب دوره اول جنگهای ایران و روسیه که تا سال ۱۲۲۸ ادامه یافت، آغاز گردید (اعتمادالسلطنه، ۱۳۶۷، ج ۳: ۱۴۶۸-۱۴۶۹؛ شمیم، ۱۳۸۳: ۱۸۶-۱۸۷).

قاجارها با اتحاد و همبستگی درونی و از طرفی با ایجاد اتحاد و پیوند با دیگر قبایل و طوایف به ویژه در مناطق شمالی ایران، ایران را فتح نموده و بر آن حکمرانی نمودند.

جنگهایی که قاجارها برای تسخیر ایران انجام دادند، در ادامه شیوه های مبارزاتی حکومت های صفوی، افشار و زند قرار داشت (آبراهامیان، ۱۳۸۴: ۴۸). با موفقیت های نظامی قاجارها در برابر همسایگان ایران، گویا آنها به کارایی شیوه های جنگی خود مطمئن شده بودند. اما با آغاز نبرد با روسها، رجال دربار قاجار متوجه تفاوت های اساسی آن حکومت و ساختار نظامی آن با خود گردیدند. سلاحهای جدید و مدرن، انضباط و شیوه های جنگی آنها بهتر از سلاحهای سنتی و ارتش نامنظم قاجار بود (فوران، ۱۳۸۵: ۲۱۶؛ آوری و دیگران، ۱۳۸۸: ۲۰۶). نبود ارتش منظم و متمرکز که وفادار به شاه باشد و وابستگی شدید قاجارها به نیروهای ایلداری و سربازانی که خاستگاه کشاورزی داشتند به زودی صحنه های نبرد را به زیان ایران تغییر داد. از طرفی حکومت قاجار منابع و امکانات لازم را برای جنگ طولانی و فرسایشی در اختیار نداشت. بنابراین رجال دربار عباس میرزا به فکر بازسازی قشون از طریق جلب کمک های خارجی افتادند. با ناکامی مأموریت فرانسوی ها به ریاست ژنرال گاردان در ایران (دروویل، ۱۳۸۷: ۳۸؛ اعتماد السلطنه، ۱۳۶۷، ج ۳: ۱۴۹۱)، رجال حکومتی قاجار هر چه بیشتر به فکر استفاده از ظرفیت های داخلی جامعه ایران در جنگ با روسها افتادند. مشکل حکومت قاجار در این مسیر آن بود که بسیاری از مردم ایران حکومت آنها را مشروع نمی دانستند و از طرفی جنگهای ایران و روسیه را نبرد خاندان حکومتی قاجار با روسها برای تسلط بر مناطق بیشتر تلقی می کردند (لمبتون، ۱۳۷۵: ۲۵۸؛ آوری و دیگران، ۱۳۸۸: ۱۹۷). این در حالی بود که قوای ایران روبه فرسودگی می رفت و گفتگوها در باب مشروعیت قاجارها و ماهیت سیاسی یا اعتقادی نبرد افزایش می یافت و انگیزه های اجتماعی نیز برای استمرار تسلیم به درخواستهای دیوانی و مالیاتی فزاینده حکومت جهت استمرار جنگ تقلیل می یافت. بنابراین رجال دربار قاجار سعی نمودند از نفوذ دین اسلام و متولیان آن (روحانیون شیعه) در بین مردم برای مشروعیت بخشیدن به نبرد با روسیه استفاده نمایند، و مشکلات ساختاری حکومت، قشون و جامعه ایران در برابر روسها را با این فتاوی حل کرده و مسیر را برای مقابله بهتر با قشون روس هموار نمایند.

در شرایطی که دولت-ملت نوین در ایران شکل نگرفته و جامعه ایران به صورت پراکنده و قومیتی و قبیله ای اداره می گشت، تنها دین اسلام به عنوان عامل وحدت بخش جامعه ایرانی تلقی می گردید. از طرفی ماهیت دین و مذهب به گونه ای است که جهت گیری های اصلی را ترسیم کرده و معیار خیر و شر و دوستی و دشمنی است. یکی از کارکردهای مهم دین، انگیزه آفرینی و تقویت ایمان و باور به هدف است. بنابراین

حکومت قاجار با شناخت جایگاه ویژه دین اسلام و متولیان آن در جامعه سعی کرد از آن به عنوان عاملی برای وحدت جامعه ایران برای رویارویی با روسها استفاده نماید. روحانیون شیعه به عنوان متولیان امور دینی و مذهبی جامعه نفوذی به مراتب بیش از ساختار سیاسی در بین مردم ایران داشتند و طبقات مختلف جامعه ایران آنها را به عنوان رهبران واقعی خود قبول داشتند. بنابراین آنها توانایی شکل دهی، اثرگذاری و تعیین باورها و امیال دیگران را داشتند که تضمین کننده اطاعت و فرمانبرداری از آنان بود (فلور، ۱۳۶۵، ج ۲: ۲۳). بنابراین فتحعلی شاه با بهره گیری از روابط نزدیک خود با روحانیون برای بسیج جامعه ایران برای مقابله با روسها به آنها متوسل شد. با موافقت فتحعلی شاه، عباس میرزا نمایندگانی نزد علمای قم و عتبات ارسال کرد و با علمای معظم ایران نیز در این باره مکاتبه نمود، و آنها نیز قبول کرده و رسائلی در باب جهاد با روسها نگاشتند (سپهر، ۱۳۷۷، ج ۱: ۱۸۱؛ خاوری شیرازی، ۱۳۸۰، ج ۱: ۲۹۵). نامه نگاری با روحانیون در سال ۱۲۲۳ و رسیدن فتاوی جهادی به تبریز نیز به احتمال زیاد در این سال و یا حداکثر در سال ۱۲۲۴ هجری اتفاق افتاد. روحانیون با تیزی تمام و تفکیک میان مسئله عدم مشروعیت سلطنت قاجار با موضوع دفاع از مسلمانان و سرزمین اسلامی، بر اساس مبانی فقه سیاسی خویش به ارائه فتاوی جهادی اقدام کردند. آنها مشکلی برای همراهی در صدور فتوا نداشتند چرا که اندیشه همکاری با سلطان جائز نه برای منافع شخصی بلکه برای رساندن نفع به جامعه شیعه و دفع مضرات از آنان در فقه سیاسی شیعه مبانی واضحی داشت (برای نمونه ر.ک: طوسی، ۱۴۱۱: ۳۵۶-۳۵۷). از سوی دیگر جامعه مسلمانان صدر دوره قاجار از سوی روسها با تهدیدی اساسی روبرو شده بودند، پس عقل و شرع حکم می کرد که پیشوایان صاحب نفوذ جامعه شیعه، مسئله عدم مشروعیت حکومت قاجار را با عنایت به ضرورتها و اقتضائات عصر اولویت نداده و برای نجات مسلمانان و سرزمین مسلمین چاره ای بیندیشند. مطامع روسها تنها متوجه ساختار سیاسی منطقه نبود، بلکه آنها به دنبال تغییر ارزشها دینی و فرهنگی مردم مسلمان قفقاز برای تسهیل سلطه خود بودند، لذا روحانیون به عنوان متولیان دینی جامعه نمی توانستند نسبت به تهدید نرم روسها بی تفاوت باشند. از طرفی چون روحانیون با واقعیت تلخ پیوند زندگی جامعه شیعی ایران با ابقای حکومت قاجار روبرو شدند و در عمل نیز نمی توانستند نقش حساس فرمانروایان قاجار را برای ممانعت از غلبه روسها بر مسلمانان نادیده گرفته و خود را در موضع سلبی تفکر شیعی درباره «حکام ظلمه» عاری از مشروعیت قرار دهند، بنابراین ضمن ارائه تبیینی روشن از مبانی فتاوی خویش برای

ضرورت یاری پادشاه و ولیعهد قاجار در برابر روسها، دست به اقدامی برای صیانت از جان و مال مسلمانان و اساس دین اسلام زدند (زرگری نژاد، ۱۳۷۹: ۳۸۶-۳۹۱).

۴. ابعاد مختلف جنبش نرم افزاری روحانیون در نبرد با روسها

۴-۱. برکشیدن جنگ ایران و روس به نبرد اسلام و کفر

حکومت قاجار در پی راهی بود که به مردم نشان دهد که هجوم روسها به قصد جنگ با قاجارها نیست بلکه هجومی به آب و خاک و حیثیت اعتقادی و ملی مسلمانان است، پس تمام مردم در برابر آن مسئولند نه دستگاه سلطنت. دنبلی که خود از نزدیک شاهد اتفاقات جنگ با روسها بود، معتقد است، این بحث به صورت جدی مطرح بود که هدف از جنگ و کشتار برای چه هدفی است و این همه خسارت «در بارگاه الهی مثمر سعادت» و باعث ایثار رحمتی و مغفرتی است، یا محض صیانت ملک یا مجرد دفاع یا رعایت سد رخنه بیگانه یا مخصوص به اهل آذربایجان یا غزا و جهادی است که همه مسلمانان درین زحمت شرکت دارند» و آیا این جنگ «موافق شرع رسول اکرم است یا متعارف به قاعده عرف و دستور ملکداری خسروان معظم و شیوه کسری و جم» (دنبلی، ۱۳۸۳: ۲۲۲-۲۲۱).

با عنایت به تشکیک در ماهیت نبردهای ایران و روسیه، مسئله مهم و اساسی در فتاوی روحانیون این دوره تبدیل جنگ حکومت قاجار با روسیه به جنگ بین اسلام و کفر و در راستای دفاع از دین اسلام و اعتقادات مسلمین بود. این تلاش تنها به خاطر حمایت از حکومت قاجار نبود، بلکه دلیل اصلی آن ترس روحانیون از استیلای غیر مسلمانان بر بلاد اسلامی و به دنبال آن تضعیف و نابودی دین اسلام بود. دین اسلام در مقابل کفار و تجاوز کنندگان به حدود و ثغور اسلامی دستور شدت برخوردار داده است. اسلام ولایت غیر مسلمانان را بر مسلمانان نمی‌تابد و دوستی با دشمنان را موجب ذلت و پایمالی حقوقی جامعه می‌داند. روسها برای جلوگیری از وحدت مسلمانان برای مقابله با آنها، اعلام می‌کردند که جنگ آنها تنها با حکومت قاجار است و آنها قصدی برای تغییر اعتقادات مردم مسلمان منطقه ندارند. اما روحانیون معتقد بودند، روسها این گفتار را برای جلوگیری از وحشت مسلمانان ابراز می‌نمایند تا به راحتی سلطه خود را بسط دهند. در نتیجه پس از غلبه، مسلمانان را از انجام شعائر دین اسلام باز می‌دارند. روحانیون می‌ترسیدند که نفوذ روسها بر بلاد اسلامی، مقدمه تبلیغ مسیحیت در جامعه اسلامی گردد و اگر هیچ مسلمانی به آیین مسیحیت گرایش پیدا نمی‌کرد، معاشرت با مسیحیان منجر به

سستی اعتقادات اسلامی در جامعه می شد. با تضعیف اعتقادات به مرور دین اسلام در این منطقه برابر مسیحیت در موضع ضعف قرار گرفته و چه بسا نابود می گردید (شیخ هاشم کعبی، ۱۳۹۰، ج ۱: ۶۱؛ قائم مقام فراهانی، ۱۳۳۴: ۲۲). روسها در واقع به دنبال به انفعال کشاندن مسلمانان و بسط ارزشها و هنجارهای خود در جامعه اسلامی قفقاز بودند تا جذابیت خود را برای مسلمانان قفقاز افزایش دهند. تا با از بین رفتن تعصب مسلمانی، زمینه را برای قبول حاکمیت خود فراهم نمایند (علوی شیرازی، ۱۳۶۳: ۴۵ و ۶۰). ملا احمد نراقی با شناخت این جنبه از تلاش روسها، وجوب جهاد علیه روسها را به خاطر ترس از تسلط کفار بر بلاد اسلامی و حفظ بیضه اسلام می داند و می نویسد: «وجوب جهاد و مقاتل با طایفه روسیه، محل شبهه و نزاع نیست؛ چه، از قصد ایشان به ولایت اسلام و تصدی به تسخیر بعضی محال مسلمین، خوف بر بیضه اسلام ظاهر و تسلط آنها بر برخی از بلاد اهل ایمان و زبونی و زیردستی جمعی کثیر از مسلمین در حکومت آنها و استیصال بسیاری از اهل اسلام در دست جفای آنها معلوم است» (نراقی، ۱۳۹۰، ج ۱: ۸۲).

برکشیدن جنگ حکومت ایران و روسیه به نبرد اعتقادی اسلام با «کفر»، در واقع واکنشی به تبلیغات مذهبی روسها در قفقاز جنوبی و در بین مسیحیان این منطقه نیز بود. آرامنه از زمان سقوط صفویه مدام با روسها ارتباط داشته و آنها را دعوت می کردند، تا با تسلط بر قفقاز جنوبی آنان را از سلطه و حکومت مسلمانان خارج نمایند (زرینی و زرگری نژاد، ۱۳۸۹: ۶۴-۶۹). روسها اگرچه اعلام می کردند که هیچ دشمنی با اعتقادات اسلامی ندارند، اما در تضاد با این ادعا به جنگ با ایران صبغه دینی بخشیده و رسالت خود در را حمایت از مسیحیان و آزادی آنها از دست مسلمانان منطقه اعلام کردند و آن، جذابیت روسها را برای گرجیان و آرامنه بیشتر می کرد. در طول جنگ های ایران و روسیه اکثریت آرامنه به عنوان نیروهای وفادار به روسها در شهرهای مسلمان نشین حضور داشته و همکاری آنها با روسها از عوامل ناکامی ایران بود (جونز، ۱۳۸۶: ۱۹۵؛ سپهر، ۱۳۷۷، ج ۱: ۱۲۴). روسها پس از تسلط بر قفقاز سیاست تغییر ترکیب قومی و دینی منطقه را به نفع مسیحیت اجرا کردند. بنابراین پیش بینی و ترس روحانیون از نتایج تسلط روسها بر دین و اعتقادات اسلامی کاملاً درست بود و آنها به خاطر همین عوامل تمام تلاش خود را برای تبیین اهداف روسها به کار بردند، تا قدرت دفاعی مسلمانان را در برابر هجوم روسها بیشتر نمایند.

۲-۴. مشروعیت بخشی به فتحعلی شاه و عباس میرزا در جنگ با روسیه

یکی از ضرورت‌های جهاد و مقابله با روسها، تقویت همه جانبه حکومت قاجار به عنوان تنها حکومت شیعه و مدافع سرزمین های اسلامی در برابر روسها بود. در واقع حمایت روحانیون این عصر از فتحعلی شاه نه به معنی تأیید و مشروعیت بخشیدن به همه اقدامات آن حکومت، بلکه از روی مصلحت و ضرورت تقویت دولت اسلامی در رویارویی با هجوم روسها بود. پس از اثبات اعتقادی و دینی بودن نبرد با روسها، در واقع هنوز مشروعیت فتحعلی شاه در فرماندهی جنگ محل شبهه بود. شیخ جعفرکاشف الغطا از قائلین به نیابت عام روحانیون، در بررسی جهاد در عصر غیبت می نویسد؛ «اگر کفار به قصد ضعیف کردن اسلام و استیلا بر آن به بلاد اسلامی حمله کنند اگر امام غایب باشد و استیذان از او ممکن نباشد، واجب است بر مجتهدین قیام بر این کار؛ واجب است تقدیم افضل مجتهدین یا مأذون از جانب او [...] واجب است مردم را اطاعت ایشان، و هر که مخالفت ایشان کند مخالفت امام علیه السلام کرده [...] پس من اگر از اهل اجتهاد و از جمله قائلین به نیابت امام (ع) باشم، سلطان بن سلطان [...] فتحعلی شاه را، ادام الله اظلاله علی رؤس الانام، اذن دادم به گرفتن چیزی که تدبیر لشکر و رد اهل کفر و طغیان موقوف بر آن است (شیخ جعفر نجفی، ۱۳۹۰ الف، ج ۱: ۴۵-۴۶). به اعتقاد کاشف الغطا، حکومت مشروع بالذات یعنی حکومت جانشینان معصوم پیامبر (ص)، به خودی خود مشروعیت دارد و مشروعیت آن موکول و متکی بر هیچ امری نیست. حال آنکه مشروعیت حکومتهایی نظیر فتحعلی شاه، عرضی و ناشی از اغراض و جهات خاص و یا منبعث از کارکرد ویژه آن است. لزوم اطاعت از این نوع حکومت ها نیز به اعتبار مشروعیت ذاتی آنها نیست، بلکه اطاعت از حکومت های مذکور ناشی از اهدافی است که توسط آنها تأمین می شود. به عبارت روشن تر، وجوب اطاعت حکامی که مشروعیت بالعرض دارند، به حکم «مقدمه واجب»، واجب است. یعنی همان گونه که خرید اسلحه و وجوب ذاتی ندارد و به عنوان مقدمه یک واجب، یعنی جهاد است، اطاعت حکام جور نیز به اقتضا و اعتبار خاص و به عنوان مقدمه انجام واجبی چون جهاد دفاعی علیه روسها واجب می گردد (شیخ جعفر نجفی، ۱۳۹۰ الف، ج ۱: ۴۷).

سید علی طباطبایی پس از آن که حفظ اسلام از تسلط «کفار» را دلیل صدور فتوای جهاد می داند، معتقد است که امر جهاد «منتظم نمیشود»، مگر به وجود فتحعلی شاه قاجار و فرزندش عباس میرزا نایب السلطنه به دلیل آن که فقط آنها می توانند به جمع آوری سپاه و لوازم جهاد اقدام نمایند، بنابراین بر جمیع مردم واجب است که از ایشان اطاعت کرده

و در سپاه اسلام حاضر شده و به جهاد با روسها مشغول شوند (قائم مقام فراهانی، ۱۲۳۴: ۲۲-۲۳). از دید میرزای قمی در شرایطی که سلطان عصر مشروعیت لازم را نداشته باشد، اما تنها قدرتی باشد که در برابر دشمنان اسلام پایداری و مقاومت می کند، واجب است همگان از او اطاعت کرده و در رکاب او به جهاد با دشمنان اسلام بروند، تا هدف اصلی که دفع شرّ کفار از بلاد اسلامی و معتقدات اسلامی است، محقق گردد. او برخلاف کاشف الغطا اذن مجتهد برای اقدام به جهاد را لازم نمی-داند و درباره لزوم حمایت از پادشاه اسلام معتقد است: «اگر مقصود کفره بالذات، دفع پادشاه [اسلام] باشد نه اسلام خود، و لکن دفع پادشاه، مستلزم دفع بنای اسلام باشد، بر همه بینندگان و شنوندگان، مقاتله و مجاهده بر دفع و رفع کفار واجب است به قاعده الاقرب فالاقرب^۱، تا دین محمدی مندرس نشود و تخلف از حکم کسی که قابلیت ریاست منحصر به اوست، برای متصدی معین و مجاهدین حرام است و اطاعت سلطان جائز هم در امر جهاد، من باب المقدمه واجب است. چه مقصود حقیقی دفع شرّ کفار است از دین و دفع اذیت آنها از جان و عرض و مال مسلمین» (میرزای قمی، ۱۳۹۰، ج ۱: ۵۳). روسها از سالیان قبل با برقراری ارتباط با خوانین منطقه قفقاز در پی نفوذ نرم در این منطقه و تضعیف اعتقادات اسلامی و از بین بردن کراهت تسلط مسیحیان بر مسلمانان بودند، تا در بلند مدت به هدف اصلی خود که تسخیر قفقاز بود، دست یابند. در واکنش به این نفوذ و تغییر اعتقادات مردم، روحانیون این دوره علی رغم اشتراک نظر در عدم مشروعیت حکومت قاجار، اما وقتی این حکومت تنها قدرتی بود که می توانست در برابر روسها مقاومت نماید، با بهره گیری از جایگاه ویژه خود در بین مردم به لزوم اطاعت از این حکومت برای رسیدن به هدف اصلی که همان دفع تسلط کفار از مسلمانان بود، فتوا دادند.

برادران و دیگر مخالفان عباس میرزا علی رغم شناختی که به اهداف روسها در منطقه داشتند، به شیوه های مختلف در برابر سپاه ایران و عباس میرزا کارشکنی می کردند. یکی از کارکردهای مهم این فتاوی برای متحد نمودن شاهزادگان قاجار و از بین بردن اختلافات آنها با عباس میرزا نیز بود؛ به ویژه آن که در طول این جنگ اغلب برادران عباس میرزا نه تنها کمک جدی به وی نکردند، بلکه نگذاشتند که شاه از موقعیت وخیم وی در نبرد آگاه گردد (نفیسی، ۱۳۶۴، ج ۲: ۶؛ اتحادیه، ۱۳۵۵: ۲۶). آنها به خاطر رقابت بر سر ولایتعهدی و در جهت تضعیف موقعیت عباس میرزا سعی داشتند با شکست یا حداقل عدم کامیابی وی در جنگ با روسیه، موقعیت او به عنوان جانشین پادشاه به خطر افتاده و فرصت برای ادعاهای آنها فراهم گردد. با اشارات صریح به نام عباس میرزا به

عنوان مجاهد در جای جای فتاوی جهادی جایگاه او به عنوان فرمانده نبرد با دشمنان دین تثبیت گردید (قائم مقام فراهانی، ۱۳۳۴: ۲۲-۲۳؛ شیخ جعفر نجفی، ۱۳۹۰ الف، ج ۱: ۵۰؛ همدانی، ۱۳۹۱، ج ۱: ۱۰۲). عباس میرزا با اعلان جهاد امیدوار بود به اجبار برادران خود را به نبرد بکشاند و آنان را ناگزیر کند یا آشکارا از انجام تکالیف مذهبی خود سرباز زنند و یا از کارشکنی علیه او دست بردارند.

۴-۳. ضرورت دفاع همگانی از ساحت اسلام

از نتایج عدم آگاهی مردم ایران از مفهوم مرزهای تاریخی ایران و عدم شکل گیری دولت-ملت در ایران و در نتیجه جدایی دولت و ملت از یکدیگر، آن بود که مردم ایران دفاع از مرزهای ایران در برابر متجاوزان را وظیفه خود نمی دانستند و معمولاً طرف پیروز در جنگ را ولی نعمت خود می دانستند (دوگوبینو، ۱۳۶۷: ۲۷۴؛ کاتوزیان، ۱۳۸۰: ۱۰). در جنگ با روسیه نیز تنها مردمانی که در معرض حمله مستقیم قرار داشته و به صحنه جنگ نزدیک بودند، به دفاع از شهر یا روستای خود می پرداختند و گاه به خاطر عدم آینده نگری درباره نتایج تسلط روسها بر بلاد اسلامی و مشروع نداشتن حکومت قاجار و تقلیل جنگ با روسها به نبرد بین دو خاندان حکومتی، بی طرف می ماندند و یا از روسها حمایت می کردند. بنابراین تنها بخشی از مردم آذربایجان به خاطر نزدیکی به صحنه های نبرد، در جنگ حاضر می شدند (دنبلی، ۱۳۸۳: ۲۲۱-۲۲۲؛ نادر میرزا، ۱۳۷۳: ۲۴۲). بسیاری از خوانین طرفدار روسها، جنگهای ایران و روسیه را به نبرد دو خاندان حکومتی تقلیل داده و در نتیجه نه تنها هواداری خود از روسها را توجیه می کردند، بلکه به انفعال بیشتر مردم منطقه دامن می زدند (نوری، ۱۳۸۶، ج ۱: ۱۷۳-۱۷۴؛ سپهر، ۱۳۷۷، ج ۱: ۱۲۴). هدف اصلی رسائل جهادی معرفی ابعاد مختلف تهاجم نرم روسها علیه جامعه اسلامی و ختنی نمودن آن بود. بنابراین روحانیون مسئول مقابله با روسها را همه مسلمانان از شیعه و سنی معرفی کردند، تا هدف اصلی روسها که به انفعال کشاندن مردم و جلوگیری از همکاری آنها با حکومت قاجار بود، محقق نگردد. لازمه مشارکت مردم نیز برکشیدن جنگ با روسها به نبرد اسلام با کفر بود، که همه مکلفین و به اشاره طباطبائی «عموم مکلفین و مسلمین خواه دور از ثغور باشند یا اهل ثغور بکفار نزدیک باشند یا دور» (قائم مقام فراهانی، ۱۳۳۴: ۲۵)، موظف بودند، در آن شرکت نمایند. محمد حسن گیلانی برای گرفتن بهانه از دست مخالفان و عافیت طلبان، جهاد با روسها را بر همه واجب می داند: «این جهاد واجب است بر هر که قادر بر جهاد باشد. خواه مرد باشد و خواه زن، خواه کور و خواه بینا، خواه صحیح و خواه مریض، خواه بنده و خواه آزاد باشد» (گیلانی،

۱۳۹۱، ج ۱: ۱۱۰). برای تشویق مؤمنین برای شرکت در جنگ، به فتوای صریح روحانیون هر کسی در جنگ با روسها کشته می شد، مقام شهادت می یافت. این باور قلبی راسخ، انرژی و انگیزه‌ی فوق العاده‌ای در افراد ایجاد می کرد تا برای رسیدن به آرمان‌ها دست به فداکاری بزنند (گیلانی، ۱۳۹۱، ج ۱: ۱۱۰؛ شیخ جعفر نجفی، ۱۳۹۰ الف، ج ۱: ۴۷).

یکی از لوازم تقویت حکومت قاجار، جلوگیری از گرایش برخی از مسلمانان به روسها و همراهی آنها با سیاست روسها در تصرف منطقه قفقاز بود. برخی از مردم مسلمان شیعه و سنی قفقاز به ویژه خوانین منطقه در این جنگ به ایران پشت کرده و به همکاری با روسها پرداختند. عدم صمیمیت خانهای قفقاز با قاجارها و روی آوردن آنها به دولت روسیه از دلایل مهم شکست ایران در طول جنگ بود (علوی شیرازی، ۱۳۶۳: ۳۰؛ سپهر، ۱۳۷۷، ج ۱: ۳۷۱ و -۳۸۲ ۳۸۱؛ نوری، ۱۳۸۶، ج ۱: ۱۷۳-۱۷۴). آنها برای رسیدن به اهداف استقلال طلبانه و نپرداختن مالیات به حکومت ایران، اطاعت از روس‌ها را به اطاعت از حکومت قاجار ترجیح دادند (دوگاردان، ۱۳۶۲: ۱۶۶؛ سپهر، ۱۳۷۷، ج ۱: ۱۲۴). همکاری این گروه از مسلمانان با روسها، تردیدها را درباره‌ی ماهیت جنگ بیشتر می کرد و بر پیچیدگی‌های جنگهای ایران و روس می افزود. فرماندهان ایرانی امیدوار بودند، فتوای فقهی برای چگونگی رویارویی و معامله با این مسلمانان صادر گردد. روحانیون برای برخورد با این افراد و جلوگیری از گرایش آنها به روسها فتوا دادند که اگر از مسلمین کسی اسرار مسلمانان را به کفار برساند و به «کفار» کمک نماید «از دین محمدی [...] خارج اند و مرتد فطری خواهند بود که مرتد شرعاً واجب القتل است» و «قتل مسلمانی که در تسخیر ممالک اسلام با کفار همداستان شوند جایز است» (قائم مقام فراهانی، ۱۲۳۴: ۵۵ - ۵۶). با فتوای صریح روحانیون، تا حدودی جلوی همکاری مسلمانان با روسها گرفته می شد و آنها موظف به حمایت از حکومت قاجار می شدند و مهمتر از آن عباس میرزا و سپاهیان‌ش می توانستند بدون کوچکترین تردیدی آنها را سرکوب کنند.

۴-۴. تقویت سپاه

حکومت قاجار تجربه جنگ طولانی و فرسایشی را نداشت. شیوه جنگی قشون ایلیاتی آنها مبتنی بر حرکت سریع و غافلگیرانه در فصل بهار و بازگشت به تهران با آغاز فصل سرما بود. قاجارها مایحتاج قشون را همراه می بردند و یا از شهرها و مناطقی که در مسیر حرکت قرار داشتند، می گرفتند و یا غارت می کردند (ژوبر، ۱۳۴۷: ۲۱۴-۲۱۵؛ اورسل، ۱۳۵۳: ۲۵۰). اما جنگ طولانی با روسها، ایجاد ارتش منظم و جدید و همراهی مردم مناطق جنگی و دیگر نواحی ایران برای تأمین هزینه‌های جنگی را ضروری نموده بود.

هزینه بالای سپاه در کنار خست و لثامتی که فتحعلی شاه در کمک به قشون آذربایجان به خرج می داد، بر مشکلات عباس میرزا می افزود (نفیسی، ۱۳۶۴، ج ۲: ۱۰؛ واتسن، ۱۳۴۰: ۲۵۷). بدیهی است که ضروریات مالی سپاه عباس میرزا می بایست از طریق مالیات تأمین می گردید، اما مردم ایران به سنت گذشته خود در این دوره نیز مالیات را به اکراه می پرداختند و از طرفی، تشکیک در مشروعیت نبرد و هزینه های بالای آن نیز مردم را به امساک بیشتر در همیاری مالی به عباس میرزا متمایل می کرد. بنابراین بخشی از رسایل جهادی به بحث گرفتن مالیات از مردم و لزوم همکاری مردم در تأمین هزینه های جنگ با روسها اختصاص دارد. میرزا عیسی قائم مقام از کاشف الغطا نقل می کند که «در این جهاد هنگام ضرورت جایز است اجبار اهل حدود بگرفتن مالی که موقوف علیه جهاد باشد بقدر کفایت و اگر کفایت نشود جایز است پادشاه اسلامرا که از ولایات بعیده گیرد تا دفع دشمن دین شود» (قائم مقام فراهانی، ۱۳۳۴: ۴۹). میرازی قمی هم معتقد است اگر مقابله و جهاد با کفار بدون صرف مال ممکن نباشد، مؤمنین مالی را که به مصرف مستحبات می رسانند، واجب است که آن را به مصرف مبارزه با «کفار» رسانند (میرزای قمی، ۱۳۹۰، ج ۱: ۵۳). میرزا علی اکبر اصفهانی نیز معتقد است، اگر خزانه، مالیات و خراج کفاف مبارزه با روسها را ندهد «باید هرکس به قدر مقدور بذل مال خود کند» (میرزا علی اکبر اصفهانی، ۱۳۹۰، ج ۱: ۸۰).

عباس میرزا امیدوار بود با حمایت مالی شاه و دیگر ایالات، اصلاحات نظامی را برای مدرن کردن ارتش به کار گیرد. اصلاحات نظامی او با غربی کردن شیوه های نظامی همراه بود. اما برادران عباس میرزا به علت مخالفت و رقابت با او، به اصلاحات نظامی او رنگ بدعت دینی دادند. این بهانه تراشی به خاطر کاریست شیوه ها و ادوات جدید و پوشیدن لباس و چکمه نامسلمانان بود. هدف کلی از این اقدامات برای بی ایمان نشان دادن عباس میرزا و تضعیف موقعیت وی بود (الگار، ۱۳۶۹: ۱۱۰). اما روحانیون در فتاوی خود کاربرد هرگونه آلات و ادوات جدید را برای پیشبرد اهداف جهاد مجاز شمردند (خاتون آبادی اصفهانی، ۱۳۹۱، ج ۱: ۷۶-۷۷).

۵. دستاور فتاوی جهادی

حکومت قاجار با تبلیغات فراوان سعی داشت، فتاوی جهادی را به عنوان عامل مشروعیت بخش به نبرد با روسها، در بین مردم پخش کرده و زمینه استفاده از نتایج آن را در جنگ با روسیه فراهم نماید. خاوری شیرازی معتقد است با نشر فتاوی جهادی «اهالی ولایت ایران خاصه مرز آذربایجان را عرق حمیت به جوش آمد و هر تن از ارباب حرفت و صناعت اسباب به جهت خود مهیا کرده منتظر هنگامه غوغا و خروش شد» (خاوری شیرازی، ۱۳۸۰، ج ۱: ۲۹۶). فسائی نیز روایت خاوری را تکرار و تأیید کرده است (فسائی، ۱۳۸۸، ج ۱: ۶۹۹). از فحوای سخن خاوری می توان به این نتیجه رسید که آن رسایل در بین مردم پخش شد و یا حداقل به وسیله شبکه ارتباطی گسترده ای که روحانیون از آنها برخوردار بودند، محتوای آن ها به گوش مردم رسید و انتظارات لازم از آن را برآورد کرد. هدایت نیز معتقد است «جناب قایم مقام میرزا عیسی فراهانی «رساله جهادیه» جمع کرد و خلق ایران را بر مدافعه روسیه رغبت و شغف افزود» (هدایت، ۱۳۸۰، ج ۹: ۷۶۰۷). با این اشارات صریح، ادعای زرگری نژاد مبنی بر آنکه با ورود هیئت انگلیسی و وعده های آنها به فتحعلی شاه، هم اندیشه بسیج مردم علیه روسها و هم انتشار فتاوی و جهادیه ها معلق ماند، به نظر عجولانه و نادرست است (زرگری نژاد، ۱۳۷۹: ۳۹۳-۳۹۴).

این رسائل اگرچه در ابتدا به درخواست حکومت قاجار صادر شد، اما روحانیون در صدور فتاوی جهادی به وظیفه دینی خود عمل کردند. آنها نمی توانستند در برابر حملات روسها که خطرات آن برای اسلام و مسلمانان مشخص بود، سکوت نمایند. مخاطب فتاوی عموم مردم و در جهت حفظ کیان اسلامی در برابر تهاجم یک کشور نامسلمان بود. بنابراین برای پخش آن در بین مردم روحانیون به اجازه کسی نیاز نداشتند و محتوای آن از طریق قدرت شبکه ای و گسترده روحانیت در مدت زمان محدودی می توانست در میان مردم پخش شود. درباره نتایج و جزئیات حضور مردم در جنگ با روسها، گزارشی در دست نیست. نباید انتظار بازتاب نتایج فتاوی جهادی را در منابع داشت، زیرا در واقع تلاش روحانیون در حوزه اندیشه ای و نظری و برای مشروع نشان دادن اقدامات فتحعلی شاه و عباس میرزا در جنگ با روسها بود. پس از این فتاوی کسی در ماهیت دینی جنگ با روسها نمی توانست شک کند و دست عباس میرزا در تجهیز و مدرن کردن سپاه و گردآوری مالیات تا حدود زیادی باز شد. تقویت اسلام و مسلمین در برابر دعاوی و تجاوزات روسیه از مهمترین اهداف روحانیون از صدور فتاوی جهادی بود، که محقق

گردید، اگرچه فتحعلی شاه نتوانست از این ظرفیت به خوبی استفاده کرده و با دلگرمی به وعده های انگلستان به قرارداد گلستان که متضمن واگذاری بخش وسیعی از سرزمینهای ایرانی- اسلامی در قفقاز به روسیه بود، تن داد (هدایت، ۱۳۸۰، ج ۹: ۷۶۵۱-۷۶۵۸). همچنین روحانیون از تجربه صدور فتاوی جهادی استفاده و در دوره دوم جنگهای ایران و روسیه (۱۲۴۱-۱۲۴۳ق)، علاوه بر صدور فتاوی جهاد، خود نیز در صحنه های نبرد حضور یافتند (خورموجی، ۱۳۶۳: ۱۸؛ اعتضادالسلطنه، ۱۳۷۰: ۱۵۵).



پژوهشگاه علوم انسانی و مطالعات فرهنگی
پرتال جامع علوم انسانی

نتیجه‌گیری

مرجعیت را باید یکی از مهمترین نهادهای جامعه شیعه قلمداد کرد که به دلیل کارکرد بسیار مهمی که در مذهب شیعه برای آن در نظر گرفته شده است، ظرفیت فوق العاده ای جهت اعمال نفوذ بر افکار شیعیان، تنظیم رفتارهای فردی و اجتماعی و تعیین دستور کار برای آنان دارد. لذا دامنه نفوذ آن محدود به مرزهای جغرافیایی نیست. این نهاد را می‌توان منبع مولد قدرت نرم به حساب آورد. آغاز سده سیزدهم هجری با تثبیت جایگاه نهاد اجتهاد در اداره جامعه شیعه و از طرفی تشکیل حکومت قاجار همزمان گردید. به علت عدم مشروعیت قاجارها، مرز بین نهاد مذهبی و حکومت روشن تر شد. از دیدگاه روحانیون اطاعت از حکومت قاجار اگرچه نامشروع بود، اما برای حفظ جامعه از آشوب و زمینه سازی برای فعالیت های دینی انجام می گرفت. مسئله ای که پیوندهای حکومت قاجار را با متولیان مذهب شیعه مستحکم کرد، تهاجم روسها به قفقاز بود. از زمان تهاجم مغولان این اولین بار بود، که حکومتی غیر اسلامی در صدد بسط سلطه خود بر قلمرو اسلامی بود. روسها از زمان برافتادن حکومت صفویان در صدد بسط قدرت نرم خود در منطقه قفقاز از طریق برقراری پیوندهای نزدیک با خوانین و متنفذین منطقه و سوق دادن آنها به خود بودند. اما همزمان با تشکیل حکومت قاجار توسعه طلبی روسها خود را در قالب تهاجم نظامی به بلاد اسلامی قفقاز نشان داد. برخلاف قدرت فتحعلی شاه که مبتنی بر عینیت بود، قدرت روحانیون بر نوعی از ذهنیت استوار بود و در شکل دهی به افکار عمومی جامعه و تأثیر گذاری بر رفتار آنها دارای قدرت به مراتب بیشتری از قدرت سیاسی بود. بنابراین فتحعلی شاه برای تبیین ماهیت جنگ با روسها و برکشیدن آن به نبرد اسلام و کفر و در نتیجه به دست آوردن حمایت مردم ایران به روحانیون متوسل شد. اگرچه روحانیون حکومت قاجار را مشروع نمی دانستند، اما چون تهاجم روسها به بلاد اسلامی در جهت تضعیف اسلام و مسلمانان بود، و حکومت قاجار تنها قدرتی بود که توان مقابله با آنها را داشت، روحانیون با صدور فتاوی جهادی، اهداف نرم و سخت روسها را تشریح کرده و عموم مسلمانان را به همکاری با حکومت قاجار برای جهاد با روسها فراخواندند.

یادداشت‌ها

- ۱- از قواعد فقهی به این معنا که کسانی که نزدیکتر به دشمن هستند اولی به دفاع از جان و مال و ناموس خود هستند تا کسانی که دورترند.



۲۶

دوفصلنامه مطالعات
قدرت نرم

سال پنجم، شماره سیزدهم، پاییز و زمستان ۱۳۹۴

منابع

- اتحادیه، منصوره (۱۳۵۵)، *گوشه هایی از روابط خارجی ایران*، تهران: آگاه.
- اعتضاد السلطنه، علیقلی میرزا (۱۳۷۰)، *اکسیر التواریخ*، به اهتمام جمشید کیانفر، تهران: ویسمن
- اعتمادالسلطنه، محمدحسن خان (۱۳۶۷)، *تاریخ منتظم ناصری*، به کوشش محمد اسماعیل رضوانی، تهران: دنیای کتاب.
- الگار، حامد (۱۳۶۹)، *دین و دولت در ایران: نقش علما در دوره قاجار*، ترجمه ابوالقاسم طاهری، تهران: توس.
- اورسل، ارنست (۱۳۵۵)، *سفرنامه‌ی اورسل*، ترجمه علی اصغر سعیدی، تهران: زوار.
- آبراهامیان، یرواند (۱۳۸۴)، *ایران بین دو انقلاب*، ترجمه احمد گل محمدی و محمد ابراهیم فتاحی، تهران: نی.
- آوری، پیتر و دیگران (۱۳۸۸)، *تاریخ ایران در دوره افشار، زند و قاجار* (از مجموعه تاریخ کمبریج)، ترجمه‌ی مرتضی ناقب فر، تهران: جامی.
- تنکابنی، محمدبن سلیمان (۱۳۸۹)، *قصص العلماء*، به کوشش محمدرضا برزگر و عفت کرباسی، تهران: علمی و فرهنگی.
- جونز، سرهارفورد (۱۳۸۶)، *روزنامه‌ی سفر خاطرات هیئت اعزامی انگلستان به ایران*، ترجمه مانی صالحی علامه، تهران: ثالث.
- جهانگیر میرزا (۱۳۸۴)، *تاریخ نو*، به کوشش عباس اقبال، تهران: علم.
- حائری، عبدالهادی (۱۳۸۷)، *نخستین رویارویی های اندیشه گران ایرانی با دو رویه بورژوازی تمدن غرب*، تهران: امیرکبیر.

- حبیب‌آبادی، میرزا محمدعلی معلم (۱۳۵۱)، *مکارم الآثار در احوال رجال دو قرن ۱۳ و ۱۴*، اصفهان: وزارت فرهنگ و هنر استان اصفهان.
- خاتون‌آبادی اصفهانی، میرمحمدحسین (۱۳۹۰)، *پاسخ به مسائل مربوط به امر جهاد، در مکتوبات و بیانات سیاسی و اجتماعی علمای شیعه دوره قاجار*، به کوشش محمد حسن رجبی (دوانی)، تهران: نی.
- خاوری شیرازی، میرزا فضل‌الله (۱۳۸۰)، *تاریخ ذوالقرنین*، تصحیح ناصر افشارفر، تهران: وزارت فرهنگ و مرکز اسناد مجلس.
- خواندمیر، غیاث‌الدین (بی‌تا)، *حبیب‌السیر*، به کوشش جلال همایی، تهران: خیام.
- خورموجی، محمدجعفر (۱۳۶۳)، *حقایق الاخبار ناصری*، به کوشش حسین خدیو جم، تهران: نی.
- دروویل، گاسپار (۱۳۸۷)، *سفر در ایران*، ترجمه‌ی منوچهر اعتماد مقدم، تهران: شب‌ویز.
- دنلی، عبدالرزاق مفتون (۱۳۸۳)، *مآثر السلطانیه*، تصحیح و تحشیه غلامحسین زرگری نژاد، تهران: روزنامه ایران.
- دوگاردان، کنت آلفرد (۱۳۶۲)، *مأموریت ژنرال گاردان در ایران*، ترجمه عباس اقبال، تهران: گزارش.
- دوگوینو، کنت (۱۳۶۷)، *سفرنامه کنت دو گوینو: سه سال در آسیا*، ترجمه عبدالرضا هوشنگ مهدوی، تهران: کتابسرا.
- ژوبر، پ. آمده (۱۳۴۷)، *مسافرت در ارمنستان و ایران*، ترجمه علیقلی اعتماد مقدم، تهران: بنیاد فرهنگ ایران.
- سپهر، محمد تقی لسان‌الملک (۱۳۷۷)، *ناسخ التواریخ (تاریخ قاجاریه)*، به اهتمام جمشید کیانفر، تهران: اساطیر.
- شمیم، علی‌اصغر (۱۳۸۳)، *ایران در دوره‌ی سلطنت قاجار*، تهران: زرین.
- شیخ جعفر نجفی (کاشف‌الغطاء) (۱۳۹۰ الف)، *اعلان جهاد علیه روسها، در مکتوبات و بیانات سیاسی و اجتماعی علمای شیعه دوره‌ی قاجار*، به کوشش محمد حسن رجبی (دوانی)، تهران: نی.
- شیخ جعفر نجفی (کاشف‌الغطاء) (۱۳۹۰ ب)، *تهییج مردم برای شرکت در جهاد با روسها، در مکتوبات و بیانات سیاسی و اجتماعی علمای شیعه دوره‌ی قاجار*، به کوشش محمد حسن رجبی (دوانی)، تهران: نی.

- شیخ هاشم کعبی (۱۳۹۰)، **اعلان جهاد علیه روسها، در مکتوبات و بیانات سیاسی و اجتماعی علمای شیعه دوره قاجار**، به کوشش محمد حسن رجبی (دوانی)، تهران: نی.
- صفت گل، منصور (۱۳۸۹)، **ساختار نهاد و اندیشه دینی در ایران عصر صفوی**، تهران: رسا.
- طباطبایی فر، محسن (۱۳۸۴)، **نظام سلطانی از دیدگاه اندیشه سیاسی شیعه (دوره صفویه و قاجاریه)**، تهران: نی.
- طوسی، محمد بن حسن (۱۴۱۱)، **النهایه**، بیروت: دارالفکر.
- علوی شیرازی، میرزا محمد هادی (۱۳۶۳) **دلیل السفر: سفرنامه میرزا بائالحسن خان شیرازی (ایلچی) به روسیه**، به کوشش محمد گلبن، تهران: دنیای کتاب.
- عنایت، حمید (۱۳۶۵)، **اندیشه سیاسی در اسلام معاصر**، ترجمه بهاء الدین خرمشاهی، تهران: خوارزمی.
- غفاری قزوینی، قاضی احمد (۱۳۴۳)، **تاریخ جهان آراء**، تصحیح محمد قزوینی، تهران: کتابفروشی حافظ.
- فسائی، حاج میرزا حسن (۱۳۸۸)، **فارس نامه ناصری**، تصحیح و تحشیه منصور رستگار فسائی، تهران: امیر کبیر.
- فلور، ویلیم (۱۳۶۵)، **جستارهایی از تاریخ اجتماعی ایران در عصر قاجار**، ترجمه ابوالقاسم سری، تهران: توس.
- فوران، جان (۱۳۸۵)، **مقاومت شکننده: تاریخ تحولات اجتماعی ایران**، ترجمه احمد تدین، تهران: رسا.
- فیرحی، داود (۱۳۸۳)، **قدرت، دانش و مشروعیت در اسلام (دوره میانه)**، تهران: نی.
- قائم مقام فراهانی، میرزا عیسی (۱۲۳۴)، **جهادیه**، با مقدمه میرزا ابوالقاسم قائم مقام فراهانی، به اهتمام جهانگیر قائم مقامی، تهران: فرهنگ ایران زمین.
- کاتوزیان، محمد علی همایون (۱۳۸۰)، **دولت و جامعه در ایران: انقراض قاجار و استقرار پهلوی**، ترجمه کامبیز عزیزی، تهران: مرکز.
- گیلانی محمد حسن (۱۳۹۰)، **اعلان جهاد علیه روسها، در مکتوبات و بیانات سیاسی و اجتماعی علمای شیعه دوره قاجار**، به کوشش محمد حسن رجبی (دوانی)، تهران: نی.
- لمبتون، آن.ک.اس (۱۳۷۵)، **ایران عصر قاجار**، ترجمه سیمین فصیحی، تهران: جاودان خرد.
- مدرس تبریزی، محمد علی (۱۳۷۴)، **ریحانه الادب**، تهران: خیام.

- مروزی، میرزا محمد صادق (۱۳۸۶ الف)، *تحفه‌ی عباسی*، در «سیاست‌نامه‌های قاجاری (رسائل سیاسی)» گردآوری تصحیح و تحشیه غلامحسین زرگری نژاد، تهران: موسسه تحقیقات و توسعه علوم انسانی.

- میرزا علی اکبر اصفهانی (۱۳۹۰)، *اعلان جهاد علیه روسها، در مکتوبات و بیانات سیاسی و اجتماعی علمای شیعه دوره قاجار*، به کوشش محمد حسن رجبی (دوانی)، تهران: نی.

- میرزای قمی (۱۳۹۰)، *اعلان جهاد علیه روسها، در مکتوبات و بیانات سیاسی و اجتماعی علمای شیعه دوره قاجار*، به کوشش محمد حسن رجبی (دوانی)، تهران: نی.

- نادر میرزا (۱۳۷۳)، *تاریخ و جغرافی دارالسلطنه تبریز*، تصحیح غلامرضا طباطبائی مجد، تبریز: ستوده.

- نراقی، ملا احمد (۱۳۶۷)، *شؤون فقیه*، ترجمه سیدجمال موسوی، تهران: بنیاد بعثت.

- نراقی، ملا احمد (۱۳۹۰)، *اعلان جهاد علیه روسها، در مکتوبات و بیانات سیاسی و اجتماعی علمای شیعه دوره قاجار*، به کوشش محمد حسن رجبی (دوانی)، تهران: نی.

- نفیسی، سعید (۱۳۶۴)، *تاریخ اجتماعی و سیاسی ایران در دوره معاصر*، تهران: بنیاد.

- نوری، محمدتقی (۱۳۸۶)، *اشرف التواریخ*، تصحیح سوسن اصیلی، تهران: میراث مکتوب.

- واتسن، رابرت گرانت (۱۳۴۰)، *تاریخ قاجار*، ترجمه عباسقلی آذری، بی جا: بی نا.

- هدایت، رضاقلی خان (۱۳۸۰)، *تاریخ روضه‌الصفای ناصری*، به کوشش جمشید کیانفر، تهران: اساطیر.

- همدانی، حاج‌ملارضا (۱۳۹۰)، *اعلان جهاد علیه روسها، در مکتوبات و بیانات سیاسی و اجتماعی علمای شیعه دوره قاجار*، به کوشش محمد حسن رجبی (دوانی)، تهران: نی.

- استادی، رضا (۱۳۸۳)، «میرزای قمی وشاهان قاجار»، *فصلنامه علوم سیاسی*، سال ۷، شماره ۲۵، ص ۷۳-۸۵.

- زرگری نژاد، غلامحسین (۱۳۷۹)، «بررسی احکام الجهاد و اسباب الرشاد (نخستین اثر در تکوین ادبیات جهادی تاریخ معاصر ایران)»، *مجله دانشکده ادبیات دانشگاه تهران*، شماره ۱۵۵، ص ۳۷۳-۴۰۲.

- زرینی، حسین و غلامحسین زرگری نژاد (۱۳۸۹)، «ناهمگونی دینی: زمینه سازی و جدایی قفقاز از ایران (۱۱۳۵-۱۲۱۰)»، *فصلنامه تاریخ ایران*، شماره ۶۷/۵، ص ۵۷-۷۵.

- مدرسی طباطبائی، حسین (۱۳۵۴)، «پنج نامه از فتحعلی شاه قاجار به میرزای قمی»، *بررسی‌های تاریخی*، شماره ۴، سال دهم، ص ۲۴۵-۲۷۶.